

شادروان منوچهر فرهنگی

۹

کانون اروپایی برای آموزش جهان بینی زرتشت

امیرفیض- حقوقدان

مرثیه ای از سوی (کانون اروپایی برای آموزش جهان بینی زرتشت) که در این تحریر برعایت اختصار آقای خزاعی نامیده میشود بمناسبت پنجمین سال ترور! شادروان منوچهر فرهنگی انتشار یافته که هم موجب تشکراست و هم جای سوال.

تشکر، از این جهت که بعد از سالها نامی از منوچهر فرهنگی به میان آمده است.

بمناسبت خدمات وکالتی ام در ایران برای فعالیت های تجاری برادران فرهنگی با هر دو برادر تماس کاری داشتم برادران فرهنگی مردانی فعال و خودساخته بودند، از شهرسازی تا تاسیس کارخانه نوارهای طبی فعالیت میکردند بهمین دلیل هنگام فعالیت سیاسی در خارج از کشور در سال ۱۹۸۰ بطور قهری تماس با آقای منوچهر فرهنگی بوجود آمد، ولی متاسفانه هرچه کوشش کردم آقای منوچهر فرهنگی که در جریان فعالیت های فرهنگی در اسپانیا بودند و موفق هم شدند، حاضر به فعالیت سیاسی نگردیدند. پس از چندی با ارسال یک بروشور کتابچه مانند با تصاویر و توضیحات مربوط به کالجی که بنام I.C.S تاسیس کرده بودند، از من خواستند که آنرا در سنگر منعکس کنم که درست یادم نیست شاید یک اشاره کوچکی شده باشد، زیرا سنگر نه آگهی تجاری قبول میکرد و نه کار فرهنگی و غیرسیاسی.

بهر روی، دیگر تماس سنگریا ایشان قطع شد، تا هنگامیکه روزنامه کیهان لندن خبر کشته شدن او را در اسپانیا منتشر کرد. خبر میگفت نیمه های شب هنگامیکه منوچهر فرهنگی میخواست وارد خانه شود شخصی که در پشت بوته ها مخفی بوده او را هدف قرار میدهد و کشته میشود.

به ملاحظه آشنائی دیرین با برادران فرهنگی، خبر برایم منقلب کننده بود مرتباً شماره های بعدی کیهان را نگاه میکردم که به بینم منوچهر که کارسیاسی نمیکرد چرا و به چه علت و از طرف چه کسی کشته شده است. ولی متاسفانه کیهان هیچ شرحی نوشت و یا نداشت که بنویسد؛ که علت و متهم به قتل شناخته شود و یا نوشت ولی به دید من نرسید.

بعدها یک نشریه به اعتبار نوشته یک روزنامه اسپانیائی نوشت که قاتل زنی بوده که باتاکسی به در خانه منوچهر فرهنگی میرود و زنگ میزند و همینکه منوچهر در را باز میکند باسه ضربه کارد به شکم و سینه منوچهر او را از پای در میآورد، همان خبر اضافه کرده بود که همسر منوچهر که در خانه بوده و از جریان مطلع میشود از پلیس کمک میخواهد و منوچهر تابه بیمارستان برسد زنده بوده و اطلاعاتی در اختیار پلیس گذاشته است. منوچهر فرهنگی هنگام قتل ۸۲ سال داشت.

دیگر نسبت به قتل مزبور خبری انتشار نیافت خاصه که معلوم نشد چرا فرهنگی بقتل رسیده و این چگونه قتل بوده که قاتل باتاکسی آمده و با تاکسی هم رفته است و اظهارات مقتول به پلیس چه بوده است.

بعدها مسئله برایم روشن شد چرا که معمول پلیس اروپا و آمریکا چنین است که به قتل هائی که شاکی خصوصی ندارد اهمیتی نمیدهند و باوصله کردن قتل به گروه های مافیائی پیرونده بسته میشود.

اکنون با انتشار بیانیه آقای خزاعی و اینکه شادروان منوچهر فرهنگی عضو سازمان ایشان بوده این سوال برایم مطرح است که چرا سازمان آقای خزاعی برای کشف انگیزه قتل و احتمالاً شناسائی قاتل اقدام بموقع نکرده است؟! [!] و شاید

هم کرده باشد ولی مشغله های کارفرهنگی و آموزش جهان بینی زرتشت به اروپائیان، فرصت نداده که از نتیجه فعالیت های خودشان ایرانیان را مطلع سازند. ولی بعد از ۵ سال فرصتی یافته اند که جامی به یاد مقتول بنوشند. مبارکشان باد. اگر همراه آن گزارشی از فعالیت های خودشان لااقل در جهت شناسایی انگیزه قتل منتشر میکردند و از ابهام رفع اثر میشد.

سازمانی که یک عضو برجسته خودرا که بنا بر اعلام آقای خزاعی کمک مادی هم به سازمان های فرهنگی و بویژه به سازمانی که خود [منوچهر] فرهنگی عضویت آنرا داشته مینموده از دست میدهد بر سازمان واجب و تکلیف است که قضیه را پیگیری کند و به یک جام شراب بسنده نکند، در این قبیل موارد همسرو بستگان مقتول ممکن است به مناسبت هانی نتوانند و یا ترس مانع تعقیب موضوع شود لذا تکلیف و سنت دوستی و همکاری این است که با حمایت از بستگان موضوع از تعقیب باز نایستد.

بعضی از مردم مصداق این سخن اند <رفیق و یارند تا سفره باز است>

در بیانیه آقای خزاعی در حالیکه «گذشت» را «گزشت» نوشته است که رعایت بعضی چیزها شده باشد سال ترور منوچهر فرهنگی را نوروز ۲۰۰۸ نوشته اند فکر میکنم این تعارض شایسته کاریک کانونی که میخواهد آموزش جهان بینی زرتشت را به اروپائیان بدهد دور از صفاست.